

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۴ | ۵ محرم ۱۴۴۷

سه کشور اروپایی عضو برجام، چشم خود را به روی همه خیانت‌های اخیر در سطح جهانی و به ویژه در آژانس که به شکل‌گیریِ تهاجم صهیونیست‌ها به ایران منتهی شد، بسته و یکصدا خواستار ادامه همکاری تهران با این نهاد و بازگشت به میز مذاکره‌اند. آنها تاجایی پیش رفتند که انگشت اتهام را آن هم به بهانه «ادعای تهدید گروسی» به سمت ایران نشانه گرفتند. دیپلمات‌های ایرانی در واکنش به این دست‌موضع‌گیری‌ها تأکید دارند که ایران نه تنها گروسی را تهدید نکرده است بلکه آژانس یا بد بداند، با ادامه شرایط فعلی، خبِری از همکاری تهران نخواهد بود.

■ ■ ■

امریکایی‌ها همچنان درباره اینکه حمله این رژیم به تأسیسات هسته‌ای ایران تا چه حد مخرب بوده است، اختلاف نظر دارند اما در آن سوی اتلانتیک، اروپایی‌ها دغدغه دیگری دارند و تمام قد، مسئولیت دفاع همه‌جانبه از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آن‌هم به بهای هر نوع وقاحت را تقبل کرده‌اند.

امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه اعلام کرد که در تماس با مسعود پزشکیان همتای ایرانی خود، بر ضرورت از سرگیری فعالیت آژانس در ایران به منظور تضمین شفافیت کامل برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرده است، او اگر چه از ضرورت احترام به آتش‌بس سخن گفته اما در عین حال خواهان بازگشت به مذاکرات شده است، آن هم در شرایطی که مذاکرات با ایران باید علاوه بر برنامه هسته‌ای و پیمان عدم اشاعه، موضوع موشک‌های بالستیک ایران را هم شامل شود.

وزارت امور خارجه فرانسه هم با حمایت از کوتاهی‌های «رافائل گروسی» در عمل به وظایف قانونی‌اش در راستای حفاظت از تأسیسات اتمی ایران و گزارش جانبدارانه او درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران که به حمله متجاوزانه رژیم صهیونیستی و امریکا علیه ایران منجر شد، گفت که تهدیدات علیه مدیرکل آژانس را محکوم می‌کند.

تروئیکا که بیشتر به قیمت نابودی وجهه خود، حمایت از صهیونیست‌ها را به جان خرید بود، در یوز در بیانیه‌ای فارغ از پرداختن به حقوق ایران بنابر آن بی‌تی و نقش مخرب رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بیانیه‌ای مشترک صادر و تهدیدهای ادعایی ایران علیه گروسی را محکوم و اعلام کرد: «ما از مقامات ایران می‌خواهیم از هر گونه اقدامی با هدف پایان دادن همکاری با آژانس پرهیزند.»

تروئیکا اروپایی درباره درخواست‌از سرگیری همکاری

چالش

اوج جدید شکاف نظامیان با تئانیاهو درباره پایان جنگ غزه

رئیس ستاد ارتش: حماس را به زانو در آورديم

لاپید: ادامه جنگ غزه ديگر به نفع ما نيست

■ ■ ■

جدیدترین جلسه میان فرماندهان نظامی و رهبران

سیاسی رژیم صهیونیستی درباره تداوم جنگ در غزه، نشان‌دهنده شکافی عمیق است. یائیر لاپید، رهبر مخالفان گفته که وقت آن است که جنگ را در غزه پایان دهیم. واقعیت در غزه تغییر کرده

است، این جنگ دیگر به نفع ما نیست بلکه علیه ماست؛ موضعی که افسران رژیم صهیونیستی هم در گفت‌وگوهای غیررسمی آن را تأیید می‌کنند.

■ ■ ■

از سحرگاه دیروز تا عصر، ۷۱ نفر در حملات اسرائیل به نوار غزه شهید شده‌اند که ۴۸ نفر از آنها در شهر غزه و شمال نوار غزه به شهادت رسیده‌اند. سخنگوی وزارت خارجه قطر با اعلام این شدیدترین وضعیت انسانی در غزه غرّه اعلام کرد:

«دامه تلفات انسانی در غزه دیگر قابل تحمل نیست.»

«ماجد الاصری» گفته که در حال حاضر مذاکراتی درباره غزه در جریان نیست، اما تماس‌هایی بین طرف‌ها برای دستیابی به فرمول بازگشت به مذاکرات وجود دارد.

«محمود مِرداوی» از رهبران جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در گفت‌وویی مطبوعاتی گفته که مذاکرات با رژیم صهیونیستی به دلیل پافشاری این رژیم بر ادامه یافتن جنگ بی‌نتیجه مانده و پیش‌رفتی نداشته است. به گفته محمود مرداوی، توقف جنگ و عقب‌نشینی نیروهای رژیم اشغالگر از نوار غزه با تضمین‌های بین‌المللی دو شرط غیرقابل مذاکره ماست و آنها را نادیده نمی‌گیریم که تأکید کرده که هرگونه شرطی که به حاکمیت ما آسیب بزند را نخواهیم پذیرفت و سلاح مقاومت تا پایان اشغالگری باقی خواهد ماند. در حالی موضع چند روز قبل ترامپ که از نزدیک بودن آتش‌بس در غزه صحبت کرده بود، فشارها را بر اسرائیل تشدید کرده تا جایی که به نوشته هاآرتس، برای نخست‌وزیر اسرائیل، رد در خواست رئیس‌جمهور امریکا سخت خواهد بود، مناقشه در داخل ساختارهای امنیتی و سیاسیون اسرائیل درباره وضعیت ادامه جنگ در غزه در حال رسیدن به یک اوج جدید است. سازمان رادیو و تلویزیون اسرائیل می‌گوید که ارتش بر ۶۵ درصد از مساحت غزه سیطره یافته و تلاش برای به دست گرفتن کنترل ۷۵ درصد از آن، آنگور که رهبران سیاسی می‌خواهند، می‌تواند تهدیدی برای جان اسرا در غزه باشد. به گفته رادیو و تلویزیون اسرائیل، ارتش به رهبران سیاسی اطلاع داده که باید به سمت پایان دادن به جنگ و تعیین گام‌های بعدی حرکت کند و معتقد است ی‌ا باید تمام ساکنان غزه از شمال به جنوب تخلیه شوند یا باید مراکز توزیع کمک‌هایی همانند آنچه در رفح ایجاد شده، در شمال هم برپا کرد تا کنترل حماس بر مردم سلب شود.

■ **نتانیاهو: باید ادامه دهیم**

در جلسه‌ای که دیروز میان فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی این رژیم به خصوص درباره تداوم جنگ در غزه برگزار شد، شکاف‌ها تشدید شد و در حالی که فرماندهان امنیتی بر این باور هستند که باید از دستاوردهای مورد

پیرالمملک

سرویس بین‌الملل ۲۰۶۰۰۸۸۵

گزارش یک مبرزادامعبرایان



اروپای وقیح

ایران با آژانس هم گفت: «ما از ایران می‌خواهیم فوراً همکاری خود را ذیل تعهدات الزام‌آور قانونی‌اش از سر بگیرد و تمامی اقدامات لازم را برای تأمین ایمنی و امنیت کارکنان آژانس فراهم کند.»
■ **بازرسان به تأسیسات دسترسی ندارند**
اروپایی‌ها در شرایطی جار و جنجال به راه انداخته‌اند که مقامات ایرانی در واکنش‌های رسمی، ضمن انتقاد از عملکرد جانبدارانه گروسی، تنها موضوع پیگرد قانونی کوتاهی او در عمل به تهداتش را مطرح کرده‌اند و تهدیدی علیه او مطرح نشده است.
امیرسعید ابروانی، نماینده ایران در سازمان ملل در گفت‌وویی با شبکه سی‌بی‌اس در پاسخ به سوآلی اف‌اورد: «بازرسان آژانس در ایران، در امنیت کامل

گزارش ۲ فرشیدهام

روزنامه جوان | شماره ۲۳۴۲

۱۵ جوان

همکاری‌ها را ادامه دهد. این قانون مصوبه مجلس است و برای دولت لازم‌الاجراست. افزون بر این، این قانون بازتاب‌دهنده خشم و نگرانی افکار عمومی ایران نسبت به اتفاقاتی است که در دو هفته اخیر رخ داده است، به‌ویژه عدم واکنش مناسب و متناسب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در محکوم کردن حملات به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و ترور تعدادی از استادان و نخبگان ایرانی که با برجسب «ناشنمندی‌های» ترور و به شهادت رساندن آنها را توجیه کردند.»

بقای خطر نشان کرد: «کنته مهم در این میان این است که در شرایط فعلی، سوآلی جدی وجود دارد که باید از مدیرکل آژانس پرسیده شود، چراکه ایشان اصرار دارند همکاری‌ها به‌صورت متعارف و عادی ادامه پیدا کند. سوال این است، چگونه می‌توان انتظار داشت در شرایطی که تنها پنج یا شش روز پیش، تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران مورد تعرض قرار گرفته، ما بتوانیم ایمنی و امنیت بازرسان آژانس را تأمین کنیم؟»

■ **آژانس پاسخگوی قصورهای پر تبعات باشد**

بقای درباره رویکرد این نهاد درباره ایران به این نکته اشاره کرد که گزارش آژانس بهانه تجاوز نظامی به ایران را فراهم کرد و توضیح داد: «ویکرود دواگانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یکی از زاینبارترین سیاست‌هایی است که می‌تواند به هنجارها و نهادهای بین‌المللی که مسئولیت‌های مشخصی در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی یا کارکردهایی در ارتباط با مسائل عمومی جهانی دارند، آسیب برساند. در این مورد، آژانس مرتکب قصورهای پر تبعاتی شده است. نخست، گزارش اخیر این نهاد بهانه‌ای برای صدور قطعنامه‌ای از سوی سه کشور اروپایی و ایالات متحده فراهم کرد. دوم، آژانس در برابر اقدام علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران موضع شایسته‌ای اتخاذ نکرد. مصاحبه‌های اخیر مدیرکل آژانس به‌نوعی توجیه‌کننده این تجاوزات است که به‌هیچ‌وجه قابل قبول نیست.»

وی در ادامه افزود: «مدیرکل آژانس باید توجه داشته باشد که چنین حملاتی به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، علاوه بر وارد آوردن ضربه‌ای مهلک به رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT و اعتماد بین‌المللی به ترتیبات این معاهده، خطرات زیست‌محیطی و ایمنی جدی، از جمله تشعشعات هسته‌ای و آسیب به افراد، ایجاد کرده است. بنابراین انتظار می‌رود مدیرکل در کنار ابراز نگرانی درباره ادامه همکاری ایران با آژانس، به‌صراحت مواضع خود را درباره غیرقانونی بودن اقدامات ایالات‌متحده و رژیم صهیونیستی و تبعات این اقدامات اعلام کند.»

قهر ترامپی برای مذاکره!

دیگر حرفی با ایران ندارم و پیشنهادهای هم نمی‌دهم



دونالد ترامپ که تا چند روز پیش از احتمال مذاکره با ایران در آینده‌ای نزدیک سخن

گفته بود، اکنون با لحنی متناقض مدعی شده که «دیگر حرف و پیشنهاد چندبسی برای گفت‌وگو با ایران وجود ندارد» چراکه به زعم او، تأسیسات هسته‌ای ایران طی حمله اخیر بمب افکن‌های امریکا کاملاً نابود شده‌اند. این نوع بیان، پیشتر از آنکه نشانه شکست دیپلماتی

باشد، تلاش برای فشار روانی و القای این است که اگر مذاکراتی شکل بگیرد، ایران مجبور است شروط امریکا را بپذیرد و نمی‌تواند با موضع خود، رسیده است، اما نتانیاهو ادامه جنگ را در صورت

ترامپ نمایانگر نوعی ناامیدی یا عصبانیت از ایران است که حاضر به مذاکره با شرایط تحمیلی امریکا پس از درگیری‌های اخیر نیست.

درحالی که پس از حملات اخیر امریکا و رژیم صهیونیستی به مراکز نظامی و تأسیسات هسته‌ای ایران، مقامات تهران تمایلی برای مذاکره در فضای متشنج و بحرانی فعلی نشان نمی‌دهند، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا نیز با ادعای نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای، دست پیش گرفته و اعلام کرده که دیگر دلیلی برای گفت‌وگو با ایران وجود ندارد.

ترامپ روز دوشنبه در واکنش به اظهارات اخیر «کریس کونز»، سناتور دموکرات مبنی بر تمایل ادامه دهیم، اما گروگان‌ها در آنجا هستند و این موضوع محدودیت‌های بسیار بزرگی در جنگ ایجاد می‌کند و باعث تنش در میان نیروهای میدانی می‌شود.»

رامی اوبوزید، کارشناس نظامی و امنیتی در این باره گفت: «کمین‌های اخیر کتابت القسام تحت عنوان سنگ داوود، نشان‌دهنده تحول کیفی مهم در عملیات میدانی مقاومت فلسطین است و بیانگر این واقعیت است که مقاومت ابتکار عمل را در رویارویی با نیروهای اشغالگر اسرائیلی به دست گرفته است.»

■ **شکاف بین سیاسیون**
علاوه بر اختلاف بین نهادهای امنیتی با سیاسیون، شکاف بین سیاسیون نیز در حال رسیدن به نقطه اوجی جدید است.
ایتمار بن‌گوریر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی دیروز ضمن مخالفت مجدد با هر گونه توافق آتش‌بس و پایان جنگ در غزه گفت: «ما باید مهاجرت داوطلبانه از غزه را تشویق کنیم و یک بار برای همیشه به مشکل نوار غزه پایان دهیم.» در حالی که یائیر لاپید، رهبر مخالفان گفته است «وقت آن است که جنگ را در غزه پایان دهیم. واقعیت در غزه تغییر کرده است، این جنگ دیگر به نفع ما نیست بلکه علیه ماست.» او با اشاره به موضع ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش در جلسه کابینه گفته است: «تصمیم‌گیری درباره گام بعدی باید در سطح سیاسی انجام شود. هر روز نظامیان ما کشته می‌شوند و تنها در این ماه، ۲۰ نظامی جان خود را از دست داده‌اند که این بالاترین آمار در یک سال گذشته است.»

مگانه احسان شیخون

«ترامپ-تئانیاهو» بازی لبه پرتگاه یاستراتژی تغییر قواعد!؟

در روزهای اخیر، پس از جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، فضای عمومی و نگاه راهبردی در ایران همچنان متأثر و آماده‌ر گیری نظامی دوباره است. ابراهیم مفتی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران در اظهار نظری که به طور گسترده مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت، گفته که «بحران امنیتی میان ایران و اسرائیل پایان نیافته، بلکه صرفاً به فاز مهار موقت رسیده است.» او هشدار می‌دهد که اسرائیل همچنان برای جنگی کوتاه‌مدت آمادگی دارد. این دیدگاه با موضع رسمی برخی فرماندهان نظامی ایرانی نیز هم‌راستاست؛ عباراتی مانند «دست ما روی ماشه است» و «هر اقدام اسرائیل با پاسخی کوبنده مواجه خواهد شد» بر فضای روانی ابهام درباره آینده رویارویی افزوده است.

مقابل این روایت، گروهی دیگر، جنگ‌اخیر را نه شروعی برای تقابل با گریز، بلکه بخشی از یک نقشه هدفمند امنیتی- دیپلماتیک تفسیر می‌کنند که مبتنی بر نظریه شناخته‌شده سیاست بین‌الملل، یعنی «Brinkmanship» یا همان «دیپلماسی لبه‌پرتگاه» است. مطابق این تئوری، بازیگرانی نظیر دونالد ترامپ بحران را تا آستانه جنگ کامل تشدید می‌کنند تا در لحظه‌ای تعیین‌کننده و با عقب‌نشینی کنترل‌شده، از اهرم بحران برای کسب امتیاز استفاده کنند. در میانه این بازی تاکتیکی، پس از سخنرانی رهبر معظم انقلاب ایران درباره پایان آتش‌بس و برجستگی نقش بازدارندگی خود، ترامپ در توییته نوشت: «من بارها گفته‌ام، بدون من، همه چیز به یک جهنم تمام‌عیار تبدیل می‌شد. ایران باید خدا را شکر کند که من آنجا بودم تا جلوی فاجعه را بگیرم. دیگران فقط شعار می‌دهند، من عمل می‌کنم.»

ترامپ به دنبال این بود که از این توییته دو پیام واضح ارائه دهد:

اول) تأکید بر نقش کلیدی‌اش در مدیریت بحران

دوم) نمایش کنترل او بر روند و نتیجه بحران.

او در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز گفته است: «اسرائیل می‌داند چه زمانی باید حمله کند. اگر ایران غنی‌سازی را ادامه دهد، مجبور به اقدام خواهیم بود، ولی همیشه صلح مقدم بر جنگ است.»
روش ترامپ تا حد زیادی با ساختار بازی لبه پرتگاه مطابقت دارد، یعنی تهدید و سپس عقب‌نشینی، ابزارهایی که از آنها به‌عنوان نمایش قدرت برای کسب امتیاز یاد می‌شود.

Vox در گزارشی نوشت: «ترامپ ابتدا دستور حمله با بمب افکن‌های B-2 را صادر کرد، سپس با مهندسی آتش‌بس، نمایش قدرت بدون ورود به جنگ فرسایشی را نشان داد.»

زاهد حسین نیز در روزنامه پاکستانی Dawn نوشت: «او تنش را تا لبه پرتگاه برد، اما سقوط را مهار کرد.» وینترز این‌الگو را «دکترین ترامپ» خوانده و نوشته که این استراتژی بیشتر در خدمت مدیریت برداشت عمومی است تا حل بحران.

ترامپ حتی کوشیده بر اسرائیل هم اثر بگذارد. او با دخالت بی‌سابقه در پرونده قضایی نتانیاهو، سعی کرد او را حتی به صورت موقت، از خطر محکومیت نجات دهد اما به دنبال آن بود که اطمینان باید در صورت تشدید بحران، تصمیمات سیاست‌گذاران اسرائیل با تمایلات او همراه خواهد بود.

رفتار ترامپ تا حد زیادی از دیدگاه او گرفته شده که در کتابش «هنر معامله» (The Art of the Deal) آن را بیان کرده است: «لبندا باید طرف مقابل را بت‌رسانی، اما نه آن‌قدر که بحران به فروپاشی بی‌پایان برسد.» این روش، در بحران اخیر آشکار شده؛ ایجاد شوک، سپس کنترل و استفاده از آن برای قدرت چانه‌زنی. متغیر مهمی که بازی لبه پرتگاه ترامپ را هدایت می‌کند، ملاخطات حساس اقتصادی امریکا، به‌ویژه در حوزه انرژی است که می‌تواند همچنان دامنه جنگ را محدود نگه دارد.

تجربه تاریخی جنگ در خاورمیانه، مانند آنچه در جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ رقم خورد، نشان داده قیمت نفت می‌تواند در یک ماه بیش از ۷۰ درصد جهش کند و به تورم جهانی گسترده منجر شود. اکنون نفت برنت در محدوده ۷۶ دلار در هر بشکه معامله می‌شود و JPMorgan پیش‌بینی کرده‌است در صورت تشدید تنش ژئوپلیتیک، احتمال افزایش ۲۰ درصدی و حتی افزایش تا بالای ۱۲۵ دلار نیز وجود دارد. سناری نگرانی ترامپ از پیامدهای داخلی چنین جهشی بود که او در توییته در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ هشدار داد: «همه مراقب باشند: نگاه‌داشتن قیمت نفت پایین ضروری است. من نظارت می‌کنم؛ شما دارید کاملاً به نفع دشمن کار می‌کنید. حفاری را بلافاصله افزایش دهید.»

این پیام از یک سو نشان می‌دهد او به‌طور ویژه نگران اثر مستقیم افزایش قیمت سوخت بر مصرف‌کنندگان امریکایی است و از طرف دیگر، چنین وضعیتی را عملاً «کمک به دشمن» تعبیر می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد میانگین قیمت بنزین در بهار ۲۰۲۵ بر امریکا بین ۳۱/۴ تا ۳۱/۹ دلار بود و در برخی ایالت‌ها به ۴/۲۹ دلار رسید. نظر سنجی‌ها نشان می‌دهند که ۲۰ درصد از رأی‌دهندگان مستقل این افزایش را نتیجه مستقیم سیاست خارجی پر تنش می‌دانند. به این ترتیب بعد است ترامپ مبتنی بر انتخاباتی بودن سیاست‌هایش و تمرکز ویژه روی رأی‌دهندگان مستقل و طبقه متوسط مایل باشد هزینه‌های اقتصادی جنگ را متحمل شود.

تحت چنین شرایطی، به نظر می‌رسد ترامپ تمایلی به ادامه کنترل شده تنش‌ها داشته باشد تا با پدیداری کنترل شده بحران که به‌عنوان پوششی برای فشار بیشتر بر ایران عمل می‌کند، جایگاه مذاکراتی قوی‌تری ایجاد کند بدون آنکه هزینه اقتصادی بالایی متحمل شود، با این حال همچنان یک خطر جدی وجود دارد که تئوری برآیند بازی لبه پرتگاه درباره آن هشدار داده‌اند؛ اگر یکی از بازیگران، چه ایران، چه اسرائیل و چه امریکا، نشانه‌ها را اشتباه درک کند یا واکنش غیردقیق نشان دهد، سناریویی که قرار بود نمایش کنترل شده باشد، می‌تواند به بحران را کنترل خارج‌شده و حتی جنگ تمام‌عیار منتهی شود. دانشگاه «کالج کارلو» هشدار داده است «این راهبرد می‌تواند به ناتوانی در کنترل تبعات گسترده برسد و بحران را به فاجعه‌ای غیرقابل مهار تبدیل کند.» تحلیلگران فوربس نیز در این زمینه تأکید کرده‌اند: «بازی لبه پرتگاه یک تاکتیک کاملاً پرخطر است. یک اشتباه کوچک یا سوءتفاهم می‌تواند تنش را از کنترل خارج کند.»

به رغم نشانه‌های جدی از بازی لبه پرتگاه ترامپ با بهره‌گیری از تاکتیک‌هایی مانند تهدید در لبه پرتگاه، عقب‌نشینی سنجیده (بعد از حمله ایران به پایگاه العدید قطر)، چانه‌زنی مبتنی بر بحران و کنترل بازار انرژی، الگوی «هنر معامله»‌اش را دنبال می‌کند. اما پایان این بازی لبه پرتگاه شده، صرفاً یک فرضیه نزدیک به کشیده شدن به جنگ واقعی، هشدار جدی برای همه طرف‌هاست. اینکه آیا این بازی تاکتیکی می‌تواند بدون فروپاشی مدیریت شود یا به بحران گریزناپذیر بدل خواهد شد، موضوعی حیاتی و سرنوشت‌ساز پیش روی تصمیم‌گیرندگان است. نکته آخر اینکه، آنچه تحت عنوان بازی لبه پرتگاه شده، صرفاً یک فرضیه نزدیک به شواهد است. شواهد موجود و سوابق رفتاری اسرائیل در لبنان، همچنین دربردارنده نشانه‌های جدی از تمایل اسرائیل به تغییر قواعد است که در تهران باید جدی گرفته شود.